

مبنا و اساس مسئولیت مدنی و سابقه تاریخی آن « فرضیه تقصیر و فرضیه زیان احتمالی » مسئله مسئولیت در حقوق فرانسه

مقدمه :

در اجتماعات امروزی بعلت وجود ارتباط نزدیک بین افراد جامعه حوادث و اتفاقاتی روی میدهد که جلوگیری کامل آن از عهده قانونگذاران خارج است .

وضع مقررات سخت و شدید هم برای ازین بردن این حوادث تقریباً بی تأثیر است زیرا فعالیت افراد برای رفع نیازمندیهای خود و بخصوص زندگی ماشینی امروز نه تنها وقوع ضرر و زیان احتمالی را برای اشخاص حقیقی و حقوقی دربر دارد بلکه ممکن است بحوادثی منجر شود که مخاطرات بزرگی را بیار آورد .

بنا بر این دو هر جامعه وقتی آسایش و امنیت کامل بوجود میآید که آن جامعه خود را در مقابل این اتفاقات بهتر و کاملتر مجهز نماید .

عبارت دیگر شخص زیان دیده بآسانی بتواند جبران خسارات خود را از شخص مسئول بخواهد .

متأسفانه با وجود تغییرات و تحولاتی که در سالهای اخیر در تمام شئون زندگی ما پیدا شده در مورد مسئولیت مدنی قوانین ما بسیار نارسا و برای انجام این مقصود غیر کفایتی است و جز مواد ۲۲۸ الی ۲۳۵ قانون مدنی که تحت عنوان اطلاق و تسبیب بیان شده مقررات دیگری در دست نداریم .

این مواد نیز با وجود افزایش و وسعت دامنه مسئولیت بهیچوجه متناسب باوضع حاضر نمیباشد و بهمین جهت داد گاهها کمتر موفق بارضای خاطر ستمدیدگان و زیان دیدهها میشوند .

خوشبختانه تصویب لایحه مسئولیت مدنی که یکی از اقدامات درخشان و مؤثر جناب آقای دکتر هدایتی وزیر محترم دادگستری و نمونه - ایجاد یک تحول اساسی و قدم بزرگ دیگری در راه اصلاح قوانین و تکامل علم حقوق ما بشمار میرود تا اندازه‌ای این تقیصه را برطرف نموده .

نظر باینکه مسئله مسئولیت مدنی که بصورت لایحه ای در حقوق کشور ما وارد شده از جهت عنوان اختصاصی آن تازه گی دارد بیفایده نخواهد بود که در این مورد بیشتر بحث شود لذا در این مقاله سعی میکنیم بدو مبنا و اساس مسئولیت مدنی را از نظر سابقه تاریخی و سپس نظریات و فرضیات مهم مربوط بآن و انتقاداتی را که در این زمینه از طرف

مبنا و اساس مسئولیت مدنی

علمای حقوق ایراد شده و در قسمت آخر موضوع مسئولیت مدنی در حقوق فرانسه را بطور اختصار بیان کنیم.

قسمت اول

سابقه تاریخی - مبنا و اساس مسئولیت مدنی

ریشه و سابقه تاریخی مسئولیت مدنی را مانند سایر رشته های حقوق بایستی در حقوق رم جستجو کرد زیرا تاریخ حقوق رومیان از قرن هشتم قبل از میلاد مسیح آغاز شده و در قرن ششم بعد از میلاد در زمان ژوستینین امپراتور رم پایان می پذیرد.

بنا بر این حقوق مزبور مدت ۱۳ قرن از مراحل بسیار بدوی شروع شده و بتدریج در نتیجه پیشرفت افکار و پدید آمدن تأسیسات جدید اقتصادی و اجتماعی تطوریافته و در قرن ششم بعد از میلاد بدرجه اعلی ترقی خود میرسد.

در دوره های اولیه افراد انسانی هر گونه صدمه و آزادی که میدیدند در صدد برمیآمدند که شخصاً در مقام انتقامجویی بر آمده و از وارد کننده خسارت انتقام کشیده و زیان وارده بخود را جبران نمایند.

حتی این قاعده نسبت به حیواناتی که باعث ضرر و آسیب میشدند اعمال میشد و گاهی حیوانات مسبب خسارات را محاکمه کرده و پس از صدور احکام قضائی بدار میآویختند.

غالباً هدف اصلی از اجرای اینگونه احکام خلاف عقل و منطق بیشتر ایجاد سر مشق و عبرت برای افراد انسانی بود و چون موضوع انتقامجویی غالباً موجب کشمکش های شدید بین دو خانواده میشد که گاهی بخونریزی منتهی میگردد بعد ها رویه معتدل تری در امر جبران خسارت معمول شد که بر طبق آن خسارت دیده اختیار داشت از انتقام خصوصی صرف نظر نموده غرامت خود را دریافت دارد و در حقیقت رئیس خانواده حق انتقام خصوصی خسارت دیده را با پرداخت غرامت میخرد.

بطوریکه مشاهده میکنیم در دوره های اولیه مسئولیت بر روی فرض تقصیر گذارده نشده بود زیرا اغلب این دعاوی علیه کسی اقامه میشد که مجرم و مسبب خسارت را تحت اختیار داشت و بنا بر این اگر مرتکب و مسبب خسارت بعد از انجام عمل خسارت آور تحت اختیار رئیس خانواده دیگری قرار میگرفت وی مسئول بود و البته این امر نتیجه پیشرفت افکار و یکنوع تکامل حقوقی بود که موضوع انتقام شخصی از مسبب خسارت را بصورت بهتری که مطالبه غرامت از مالک و صاحب اختیار فاعل خسارت بود درآورد.

چندی بعد مطالبه خسارت تا حدودی تابع عرف و عادت و تشریفات معینی شد که ابتدا بصورت غیر مدون در ضمیر اشخاص بخصوص حفظ و نگهداری و نسل بنسل منتقل میشد و پس از مدتی بصورت نوشته هائی درآمد که قدیم ترین آن نوشته ها قانون الواح دوازده گانه رومی است که قسمتی از آن مربوط به جبران خسارت و اجرای مجازات میباشد.

در این الواح برای دعوی خسارت سه صورت مخصوص پیش بینی شده بود

باین شرح :

مبنا و اساس مسئولیت مدنی

۱ - قطع درختان دیگران.

۲ - آتش زدن منزل غیر.

۳ - نوع مخصوصی از خسارت که تحت عنوان آکسیون دوپاستو «Action de pastu» علیه مالکی اقامه میشود که گله خود را در زمین متعلق بدیگری چرانیده باشد. با کمی دقت در موارد فوق متوجه میشویم که در این دوره بعلت رواج کشاورزی و عدم دخالت صنعت در زندگی رومیان مقررات مربوط به خسارت بیشتر ناظر به مواردی است که ارتباط با کشاورزی و دامپروری دارد.

سپس در قرن پنجم قبل از میلاد تحت تأثیر عوامل اجتماعی قانون دیگری بنا به پیشنهاد یک نفر خطیب رومی بنام آکیلیاس «Acquillias» وضع شد که موارد زیادتری را برای خسارت وارده باشخاص پیش بینی نموده بود.

بموجب این قانون که بعدها بنام قانون آکیلیا «Acquillia» نام گذاری شد تعقیب ازفاعل خسارت مشروط بشرايط ذیل بود:

۱ - ورود خسارت در نتیجه عمل مثبت باشد خودداری از عمل و عبارت دیگر ترك فعل موجب مطالبه خسارت نمیشد.

۲ - عمل زیان آور برخلاف حق باشد.

۳ - زیان و ضرر به شخص و منافع او وارد شده باشد.

۴ - خسارت در اثر مباشرت و عمل شخص وارد آورنده خسارت وتوع یابد.

ولی بعدها در ضمن دادرسی‌ها در شرایط مزبور تغییرات زیادی حاصل شد که خسارت وارده در نتیجه ترك فعل و خودداری از عمل را هم قابل تعقیب دانستند و عبارت برخلاف حق را که سابقاً بمعنای مخالفت با قانون می‌گرفتند بعنوان تقصیر تبدیل نمودند. از این توضیح مختصر معلوم میشود که چگونه ترمیم خسارت که ابتدا بصورت انتقال شخصی وجود داشت به مرور زمان به مسئولیت مالک و سپس در نتیجه پیشرفت عقاید و افکار بعنوان تقصیر تبدیل گردید و بعدها در حقوق اروپائی تأثیر نمود.

قسمت دوم

فرضیه تقصیر «Théorie de faut» از تاریخچه مختصری که در بالا بیان شد نتیجه میگیریم که فرضیه مسئولیت با تقصیر تکامل همان سنت قدیمی و مقتبس از حقوق روم میباشد که در مسئله جبران خسارت بیشتر به تقصیر اهمیت میدهد و مبتنی بر این نظر است که منطقی و عقلاً شخص وارد آورنده خسارت موقعی بایستی ضرر و زیان ناشی از عمل خود را جبران نماید که در ارتکاب آن تقصیر داشته باشد.

پیروان این عقیده یعنی کلاسیک‌ها معتقدند که فاعل یک عمل خسارت آور فقط موقعی مسئول است که آن فعل را خواسته و دانسته یعنی از روی قصد و اراده انجام داده باشد و یا آنکه آن عمل نتیجه سهل انگاری و عدم احتیاط و مراقبت او باشد.

دموگ « Demogue » که از پیروان این مکتب است عقیده دارد که تنها خسارت مسئولیت را بوجود نمی آورد بلکه تقصیر اساس مسئولیت و جبران ضرر است .
همینطور دوما « Duma » حقوقدان فرانسوی میگوید « جبران ضرر و زیان بعهده کسی است که عمل زیان آور از غفلت و تقصیر او ناشی شده باشد » .
معتقدین و طرفداران این فرضیه در توجیه نظر خود بقانون مدنی فرانسه استناد مینمایند که در ماده ۱۳۸۲ مسئولیت ضرر و زیان را بر اساس تقصیر بنامی نهد ماده مذکور میگوید :

« هرگونه عملی که خسارتی را بدیگری سبب شود شخصی را که در نتیجه تقصیر او ضرر وارد شده به جبران آن ملزم میسازد . »

بطوریکه مشاهده میشود عبارت « از تقصیر او » می فهماند که باید خسارت وارده در نتیجه تقصیر طرف باشد و مفهوم مخالف این جمله اینست که اگر شخصی در وارد آوردن خسارت مرتکب تقصیر و غفلت نشده باشد مسئول نیست و الزامی به جبران خسارت ندارد .
در این فرضیه تقصیر عامل مهم و اساسی مسئولیت است و تنها وجود عمل مادی سبب خسارت برای تشکیل مسئولیت مدنی فاعل آن کافی نیست بلکه بایستی توانائی و قدرت مرتکب را در اجتناب و پیش بینی از آن عمل نیز در نظر آورده و سپس جبران خسارت را باو مربوط نمود .

شرایط مسئولیت در فرضیه تقصیر

در این فرضیه برای اینکه طرف خسارت دیده بتواند در مقابل عامل خسارت اقامه دعوی نموده و جبران خسارت خود را بخواهد ناچار از اثبات سه امر میباشد .

۱ - تقصیر - که عبارت است از عمل خلاف مشروع که از حدود متعارف خارج باشد و این تقصیر اعم از انجام عمل و یا خودداری از عملی است که برخلاف حق باعث اضرار غیر شده است .

۲ - خسارت - و آن حادثه ای است که در نتیجه وقوع آن ضرری مادی یا معنوی بکسی وارد شود .

۳ - رابطه سببیت - عبارت از اینست که شخص متضرر بایستی مدلل نماید که خسارت وارده یاو نتیجه مستقیم عمل فاعل خسارت میباشد یعنی وجود « Causalité » بین تقصیر و خسارت بایستی ثابت شود .

انتقاد تئوری تقصیر

بر این تئوری که ماده ۱۳۸۲ قانون مدنی فرانسه آنرا نیز پذیرفته از طرف علمای حقوق انتقاداتی وارد شده که بطور خلاصه بد قسمتی از آن اشاره میشود .

۱ - در این فرضیه چون مسئولیت بر اصل تقصیر بنا شده ضمانت هر کس به جبران شروط بوجود تقصیر است و ارتکب تقصیر در صورتی ممکن است که شخص عاقل و بالغ بوده و بتواند خوب و بد و نتیجه اعمال خود را تمیز دهد .

مبنا و اساس مسئولیت مدنی

بنا بر این چون طفل و دیوانه فاقد قوه تمیز هستند بر طبق این فرضیه مسئول جبران خسارت ناشی از اعمال خود نخواهند بود و با این ترتیب در نتیجه اجرای این فرضیه در اغلب موارد خسارت وارده باشخاص بدون جبران میماند.

چه آنکه در اجتماعات امروز مواردی بسیار پیش میآید که خسارات زیادی باشخاص وارد میشود ولی واقعاً کسی را نمیتوان در وقوع آن حوادث مقصر دانست و چون تقصیر امری درونی و نفسانی و غالباً نا مشهود و نامحسوس است اثبات آن بی اندازه مشکل میباشد و در مواردی هم که قاعلاً خسارت واقعاً مقصر باشد از این جهت که زیان دیده گان باثبات تقصیر موفق نمیشوند علاوه بر اینکه ضرر آنها بدون جبران میماند اغلباً پپرداخت مخارج محاکمه نیز محکوم میگرددند.

و نتیجتاً اجرای فرضیه مذکور در بسیاری از موارد مانع میشود که داد مظلومین و زیان دیده گان از متعدیان و زیانکاران گرفته شود و بالاخره ضعف و عدم کفایت تئوری کلاسیک برای قرن حاضر که در اثر صنعت و ماشینیسم حوادث و خطرات احتمالی زیادی را برای کلاگران بخصوص و سایر افراد بطور عموم بوجود آورده کاملاً آشکار و هویدا است.

۲ - بمقیده بعضی از علمای حقوق تئوری کلاسیک ناشی از سیستم حقوق انفرادی « Individuisme » است که پیوسته هدف آن حفظ منافع فرد است و بنا بر این چون منطبق با احتیاجات قرن بیستم نیست بایستی طرد شود و از بین برود همچنانکه امروزه فکر انفرادی بودن حقوق دیگر طرفداری ندارد.

۳ - ایراد دیگری که بر این تئوری وارد میکنند این است که تئوری مذکور از وقوف و اطلاع به تقصیر که لازمه حقوق کیفری است آزاد نشده است .

در این فرضیه در صورتیکه نتوانیم تقصیری یا خطائی را متوجه عامل خسارت بدانیم و یا آن شخص بتواند قرینه و اماره تقصیر را از خود دفع نماید جبران خسارت ممکن نخواهد بود و لولاینکه خسارت دیده تقصیری در ورود خسارت بخود نداشته باشد .

و حال اینکه عدالت اجتماعی حکم میکند که از هر گونه تعدی جلوگیری شده و از هر نوع ضرر و زیان نسبت بمال یا نفس و یا عرض مردم جبران بعمل آید .

قسمت سوم

فرضیه زیان احتمالی - « Théorie de risepe » و علل پیدایش آن .
در نتیجه انتقاداتی که بر تئوری تقصیر وارد شد و معایبی که از نظر فکر حقوقی در آن وجود داشت نلچاراً تئوری دیگری بنام فرضیه زیان احتمالی یا مسئولیت ذاتی بوجود آمد که احتیاجات قرن بیستم پیدایش آنرا ایجاب مینموده است .

در اواخر قرن نوزدهم و اوائل قرن بیستم در نتیجه پدید آمدن دو نیروی تازه صنعتی یعنی برق و بخار در زندگی اروپائیان تغییرات و تحولات ناگهانی در تمام شئون اجتماعی و اقتصادی و حقوقی پیش آمد که سبب شد فکر حقوقی قدیم جای خود را به نظریه جدیدی بدهد که ضامن سلامت مردم و امنیت جامعه باشد .

مبنا و اساس مسئولیت مدنی

بکارافتادن وسایل حمل و نقل موتوری سریع و صنایع سنگین و اجتماع کارگران در مراکز صنعتی موجب تغییرات شگرفی در نوع ضرر و زیان گردید که لازمه آن ظهور و بروز فکر حقوقی تازه‌ای بود.

در ایندوره اصل تقصیر که اساس مسئولیت مدنی را تشکیل میداد کافی از برای جبران خسارت زیان‌دیدگان نبود.

مالکین کارخانجات و مؤسسات صنعتی که در وقوع خسارت مستقیماً دخالت نداشتند از جهت عدم اثبات تقصیر حاضرپرداخت خسارت نبودند و اگر هم احیاناً تقصیری داشتند اثبات آن برای زیان دیده امری مشکل و دشوار و چون حوادث ناشی از کار و صنعت روز بروز وسوحش‌تر میگردید فکر و وجدان مردم به تکان آمده و به تبعیت از حس عدالت خواهی خواهان آن شدند که این قبیل خسارات بدون جبران نماند.

از طرفی با انتقاداتی که بر نظریه تقصیر وارد شده و عدم کفایت آن نیز عملاً به ثبوت رسیده بود توجه حقوق دانان و مراجع قضائی بطوری باین موضوع معطوف گردید که بالاخره اصل ثابت قدیمی یعنی اصل تقصیر سست و متزلزل شد و جای خود را باصل دیگری داد که مسئولیت را بر اساس خطر و تسبیب میگذارد و این نوع مسئولیت بنام مسئولیت ذاتی خوانده شد که ذیلاً بشرح آن میپردازیم.

فرضیه زیان احتمالی

یا مسئولیت ذاتی

در این سیستم بنا به عقیده ریبرت « Ribert » و پلانیول « Planiol » مسئولیت مبتنی بر تقصیر فرضی میباشد ولی بعدها اماره تقصیر بقدری وسعت گرفت و دامنه آن بسط داده شد که بالاخره از طرف بعضی از علمای حقوق بآن فرضیه ایجاد خطر نام دادند نظریه مذکور در اولین دفعه از طرف یکنفر حقوق دان فرانسوی بنام سالی « Saleille » در کتابی موسوم بحوادث کار و مسئولیت مدنی عنوان گردید.

ناسبرده عقیده دارد که تقصیر فقط در مورد حقوق کیفری بایستی اعتبار داشته باشد ولی در مورد حقوق مدنی باید بکلی از آن چشم پوشیده و آن چیزی را که عدالت اجتماعی اقتضا میکند اجرا نمود.

از دو شخص که در مقابل هم قرار گرفته‌اند زیان دیده و آسیب کشیده قادر نیست که از وقوع حادثه جلوگیری نماید اما فاعل عمل زیان‌آور میتواند از حدوث آن ممانعت بعمل آورد.

زیان دیده در اقدام بعمل و فعالیتی که بوقوع حادثه و زیان منتهی شده نفعی نداشته ولی فاعل خسارت در اقدام بعمل خود مورد سود و منفعتی را در نظر داشته‌است بنا باین اقتضا دارد که مسبب زیان اثرات و نتایج آن عمل را تحمل نماید ولو اینکه تقصیری از او سر نزده باشد.

شرایط مسئولیت در تئوری زیان احتمالی

در این فرضیه بخلاف فرضیه قبلی دیگر نیازی باثبات تقصیر نیست و برای جبران

مبنا و اساس مسئولیت مدلی

خسارت شرایط سهل تری در نظر گرفته شده که از لحاظ حقوقی موقعیت مناسب و خوبی به خسارت دیده می‌دهد که از هر جهت موافق با اصل عدالت است.

زیرا در این تئوری که مبتنی بر اماره تقصیر است اثبات عدم تقصیر تقریباً برای عامل خسارت مقدور نیست چه آنکه اگر این شخص بتواند ثابت نماید که در یک یا دو مورد جانب احتیاط را از دست نداده و مراقبتهای لازم را بعمل آورده.

ولی بالاخره اثبات اینکه بهیچوجه کوچکترین غفلی را مرتکب نشده امری محال و لااقل مشکل است بعبارت دیگر اثبات عدم تقصیر یک نفی نامحدود و نامعینی است که احراز آن تقریباً غیر ممکن است و در هر حال اماره تقصیر را بر طرف نمی‌کند.

شرایط مسئولیت در این فرضیه بقرار ذیل است :

۱ - خسارت دیده بایستی ورود خسارت را بخود ثابت نماید.

۲ - شخص فاعل خسارت محیط فعالیتی بوجود آورده باشد که عقلاً بتوان وقوع حادثه را بآن مربوط کرد.

۳ - رابطه سببیت بین خسارت و فعالیت عامل خسارت ثابت گردد.

بطوریکه ملاحظه میکنیم در این فرضیه بار اثبات تقصیر که برای خسارت دیده خیلی سنگین و تحمل آن دشوار بود از دوش او برداشته شده و بجای آن اثبات و احراز عدم تقصیر و رعایت جوانب احتیاط بر عامل خسارت یعنی طرف دعوی زیان تجمیل شده است.

انتقاد تئوری زیان احتمالی

با وجود طرفداران زیادی که این فرضیه در بین علمای حقوق دارد و قانونگذاران هم کم و بیش از آن پیروی نموده‌اند انتقاداتی بر این تئوری وارد شده که خلاصه آن بیان میشود.

۱ - با وجود هیاهویی که در اطراف این نظریه پیا شده دیده میشود که فرمول « مسئولیت بدون تقصیر وجود ندارد » با کمی تغییر در این سیستم خودنمایی میکند

یعنی در این فرضیه هم قاعده تسبیب یا « Causalite » که بموجب آن جبران خسارت بایستی بعلمه سبب آن گذارده شود کاملاً آشکار و هویدا است باضافه اصل مذکور یک اصل علمی و فرضی است که از لحاظ عملی ارزش زیادی ندارد و ممکن نیست که بتوان در عالم قضاوت این قاعده را بدون برخورد با اشکالات غیر قابل حل اجرا کرد و غالباً در موارد اشکال نیز از اجرای این اصل چشم‌پوشی میشود.

۲ - اگرچه طرفداران فرضیه زیان احتمالی معتقدند که اجرای مسئولیت ذاتی رضایت و آرامش کاملی با احساسات عدالتخواهی جامعه می‌بخشد و اگرچه این تئوری تا اندازه‌ای توانسته است اجرای عدالت و انصاف را تأمین نماید ولی در مواردیکه این مسئله عمومیت داده میشود این منظور حاصل نخواهد شد و ممکن نیست که بتوان آنرا در تمام شئون قضائی رخنه داده و بلا اشکال اجرا کرد.

مبنا و اساس مسئولیت مدنی

باید تصدیق نمود که گرچه خسارت دیده از نظر اجتماع قابل ترحم و ارفاق است ولی مسبب غیر قابل سرزنش و بی تقصیر هم شایسته دلسوزی و رأفت است و فرضیه مذکور بدون اینکه از فرضیه تقصیر بعدالت و اخلاق نزدیکتر باشد و بهتر آسایش و رضایت جامعه را تأمین نماید در حقیقت موجب ناامیدی و از بین بردن حس ابتکار اشخاص با اراده و فعال میباشد.

۳ - اجرای تئوری زیان احتمالی و قبول آن از طرف دادگاهها بهیچوجه موجه و منظر نمیرسد زیرا اگر بنا باشد این تئوری بطور کامل اجرا شود و قانونگذاران نیز آنرا بپذیرند منطقاً لازم است قبول نمایند که هر شخص بتواند در مواقعی هم که عمل او فواید و منافع را سبب میشود آنرا از شخص منتفع مطالبه نماید و حال اینکه قاعده (غنی شدن بدون جهت) « Enrichissement sans cause » هنوز تا این اندازه پیش نرفته است.

۴ - نقض بزرگی که در تئوری ایجاد خطر وجود دارد این است که فکر اخلاقی را که بموجب آن مسئولیت مدنی بر پایه تقصیر گذارده شده معدوم و مطرود نموده است.

بدون اینکه شرایط و جهات عدم ضمان و مسئولیت را بطور مبسوط و وسیعی بیان کند در حالیکه اگر در حقیقت این عقیده بعدالت و انصاف نزدیکتر است بایستی موارد عدم مسئولیت را نیز تشریح نماید.

معذک با وجود انتقاداتی که از طرف علمای حقوق و بخصوص طرفداران حقوق مدنی فرانسه شده از این جهت که اجرای این تئوری فواید بزرگ و نیکوئی را در بردارد و بهتر میتواند از وقوع حوادث ناگوار جلوگیری نماید در موارد زیادی از طرف قانونگذاران فرانسه و دادگاهها پذیرفته شده است که از آن جمله قانون ۱۸۹۸ مربوط بحوادث کارگری و قانون مصوب سوم مه ۱۹۲۱ مربوط به خسارات ناشی از انفجار مواد محترقه و تصاعد مواد سمی و قانون ۱۶ آوریل ۱۹۱۴ راجع به خسارات وارده در اثر اجتماعات و قانون ۳۱ مه ۱۹۲۴ مربوط به خسارات ناشی از کمپانیهای هواپیمائی میباشد.

قسمت چهارم

چه نوع خساراتی باید جبران گردد.

با توجه بشرایط مسئولیت در هردو فرضیه مشاهده میشود که شرط اول برای ایجاد مسئولیت وجود خسارت است که اثبات آن در هردو نظریه واجب و برعهده خسارت دیده میباشد

حال باید دید برای اینکه خسارت دیده بتواند جبران خسارت خود را بخواهد ضرر و زیان وارده باو باید از چه نوع باشد؟

نسبت باینکه ضرر و زیان اعم از معنوی یا مادی در هر صورت قابل مطالبه است تردید و بحثی در میان نیست لیکن شرایط دیگری باید در نوع خسارت جمع باشد که بتوان جبران آنرا از عامل خسارت تقاضا نمود - آن شرایط از اینقرار است :

۱ - خسارت باید عرفاً قابل توجه باشد.

مبنا و اساس مسئولیت مدنی

برای اینکه خسارتی قابل جبران و بعبارت دیگر ضمان آور باشد بایستی عرفاً درخور توجه باشد.

در مواردی که خسارت باندازه‌ای کم است که قابل تقویم نیست دیگر موردی از برای جبران آن باقی نمی‌ماند زیرا ورود خسارت مصداق پیدا نمیکند.

۲ - خسارت وارده مجهول نباشد.

در مواردی که خسارت وارده کما و کیفاً معلوم نباشد پرداخت غرامت جایز نیست مثلاً اگر اسبی در مسابقه اسب دوانی کشته شود کسی که باعث تلف آن شده مسئول پرداخت قیمت اسب است لیکن مالک اسب نمیتواند ادعا کند که اگر این اسب کشته نشده بود جایزه را می‌برد و با این استدلال تقاضای پرداخت غرامت از جهت عدم اصابت جایزه بنماید زیرا این امر مسلم نیست و خسارت از نوع خسارات مجهول است.

۳ - خسارت مربوط بحوادث احتمالی آینده نباشد.

این شرط محتاج بحث بیشتری است و در مورد خسارت مربوط بآینده بایستی قائل بتفصیل شد.

بطور کلی در مورد خساراتی که ارتباط بآینده پیدا میکند موقعی جبران خسارت امکان دارد که ورود ضرر مسلم باشد مثلاً مالک خانه‌ای که در مجاورت او کارخانه باروت سازی ساخته شده نمیتواند بعنوان اینکه بعدها اسکان انفجار مواد محترقه و وقوع خسارت می‌رود مطالبه غرامت کند.

زیرا در حال حاضر ضرری وارد نشده و احتمال وجود و وقوع ضرر نیز باعث مسئولیت نیست یا فرضاً کسی نمیتواند باین عنوان که سگ همسایه ممکن است روزی باطفال او صدمه برساند تقاضای پرداخت خسارت نماید.

ولی در مورد این شرط یک نکته لازم بتذکر است و آن این است که اگر ضرر و خسارت آینده عرفاً حتمی الوقوع باشد در این صورت جبران آن پلامانع است اگرچه مقدار و میزان آن در آن هنگام معلوم و معین نباشد.

بطور مثال کسی زمینی را بقصد تأسیس پنگاهی یا فرضاً برای ایجاد بیمارستانی می‌خرد و شروع بساختن مینماید در همان حال در مجاورت آن زمین میدان تیر اندازی توپ ساخته میشود در این صورت این شخص میتواند مطالبه خسارت نماید زیرا بیمارستان با همسایگی و مجاورت میدان تیر اندازی توپ بهیچوجه سازگاری ندارد.

بعبارت دیگر مطالبه خسارت در مورد زیان‌های آینده ملازمه با اثبات این معنی دارد که وقوع خسارت مسلم و حتمی باشد.

البته در حقوق فرانسه راجع بجبران خسارت آینده مقرراتی در دست نیست ولی در اغلب قوانین مدنی که جدیداً تدوین شده است بجبران این قبیل خسارات اشاره شده است مثلاً در حقوق انگلستان نه تنها ممکن است زیان آتیه را مبنای درخواست غرامت قرارداد بلکه ذینفع میتواند بوسیله اظهارنامه رسمی از انجام عمل زیان آور جلوگیری نماید.

مبنا و اساس مسئولیت مدنی

پنجم مسئله مسئولیت مدنی در حقوق فرانسه

در مباحث گذشته در مورد بیان تاریخچه مسئولیت مدنی و اشاره بحقوق قدیم روم یاد آور شدیم که مسئله مسئولیت مدنی که ابتدا بصورت انتقامجویی و سپس بصورت فرضیه مالکیت و حکومت بر عامل خسارت خودنمایی میکرد بالاخره در نتیجه یک سلسله تغییرات و تحولات که معلول پیشرفت افکار و عوامل اقتصادی و اجتماعی آن زمان بود بر پایه فرضیه استوار شد.

حقوق فرانسه نیز در مورد مسئولیت مقتبس از حقوق روم و مبتنی بر اساس تقصیر است ماده ۱۳۸۲ قانون مدنی فرانسه چنین میگوید « هرگونه عمل شخص که زیانی را بدیگری سبب شود کسی را که زیان از تقصیر او ناشی شده بجزیران آن ملزم مینماید.

ماده ۱۳۸۳ آن بیان میکند « هرکس نه تنها در مقابل اعمال خسارت آور خود مسئول است بلکه اگر در نتیجه غفلت و عدم تجربه ضرری بکسی وارد کند ملزم بجزیران آن خواهد بود.

بطوریکه می بینیم در این مواد اثبات تقصیر یا غفلت و مسامحه عامل خسارت برعهده زیان دیده و لازمه مطالبه خسارت است و قانون مدنی فرانسه بطور صریح و آشکارا در مورد مسئولیت مدنی فرضیه مسئول را قبول و تئوری زیان احتمالی را رد نموده است ولی این امر نباید باعث اشتباه شود چه آنکه سازمان علمی و قضائی درکشور فرانسه چنان است که چندان نیازی باصلاح قوانین از طریق قانونگذاری پیدا نمی نماید و اگر تقصیر و ابهامی در مواد قانون بنظر برسد قضات دادگاهها و حقوق دانان از طریق قضائی و علمی بتکمیل و رفع نواقص موفق میشوند.

چنانکه نظیر این مورد در اواخر قرن نوزده و اوائل قرن بیستم بمناسبت احتیاجات روز پیدا شد و فکر مسئولیت ذاتی در امر قانونگذاری و تفسیر مواد قانونی در رویه قضائی آن کشور بطور قابل ملاحظه ای نفوذ نمود.

و امروز با وجودی که از تاریخ تدوین قانون مدنی فرانسه بیش از یک قرن میگذرد دادگاهها عین همان مواد را با نیازمندیهای روز وفق داده و اجرا مینمایند بدون اینکه احتیاجی به تغییر و تبدیل آنها از طریق قانونگذاری باشد.

همچنانکه فکر مسئولیت ذاتی را هم با وجودیکه قانون مدنی فرانسه فرسنگها از آن دور است باستناد همان قانون پذیرفته و در تمام موارد اعمال و اجرا مینماید.